

متن مسابقه قلم زندگی

نامه شهید علم الهدی به خواهرش

بسم الله الرحمن الرحيم

خواهر عزیزم پس از اهدای سلام و درود، رسیدن به فلاح را برایتان آرزو می‌کنم. چون در آغاز قدم گذاشتن در سال جدید از شما دور بودم و نتوانستم خود را به این راضی کنم که سال نو را آغاز کنم و در این لحظات حساس از عمر با شما سخن نگویم ناچار برای اولین بار قلم به دست گرفتم و با شما حرف می‌زنم.

ساعتی پیش داشتم مطالعه می‌کردم به یک جمله رسیدم و به این جمله زیبا فکر کردم و مناسب دیدم که نتیجه این ساعات فکر را که در آستانه شروع سال جدید بود، برایتان بنویسم.

شاندل، متفکر بزرگ اروپا در مورد چگونگی زندگی انسان در قرن بیستم می‌گوید: «انسان این عصر، زندگی را وقف تهیه وسایل زندگی می‌کند.» ما زندگی را در رنج می‌گذرانیم تا راحتی و آسایش ایجاد کنیم؛ تمام



عمر می رویم به این امید که لحظاتی بنشینیم، تمام زحمت می کشیم تا استراحت کنیم و البته عمر می گذرد و راحتی و آسایش و نشستن و آرامش را لمس نمی کنیم و نمی یابیم؛ چون مرتباً از طریق اجتماع به ما نیازهای جدید تلقین می شود.

نیازهای کاذب و مصنوعی که دائماً در آدم بوجود می آورند، بوسیله تبلیغات است، تلویزیون را روشن می کنید بعد از دو ساعت خاموش می کنید به خودتان نگاه می کنید می بینید هفت هشت احتیاج خرید تازه به وجود آمده که قبلاً لازم نداشتید، قبلاً با خاکستر دیگ می شستند امروز حتماً باید پودر... بخرید.

بوردا می خرید، زن روز می خرید، نگاه می کنید و در فکر تهیه لباس ها و مدل های آن می افتید؛ استعمار فرهنگی و فرهنگ زدایی از طریق تقلید تشبه رقابت مصرف های مصنوعی و سمبلیک و جلب توجه است.

و اینجا است که به سخن عمیق حضرت محمد (ص) مبنی بر اینکه «من یتشبه بقوم فهو منه» می رسیم که در آن از کلمه تشبیه استفاده شده است؛ اگر زندگی ما هم مثل اروپایی ها شود و اگر وضع لباس هایمان مثل



مدل های ارائه شده زن روز و بوردا و خانم ... شد، خود نیز از نظر خصوصیات انسانی و درک و انتخاب راه زندگی به سوی او شدن میل کرده ایم. یکنواختی و قالبی شدن انسان ها در جوامع گوناگون و خصوصاً در ملت ما که مرتباً به وسیله برنامه های فرهنگی مان در سطح وسیعی از طرف مسئولان امر پیاده می شود، همه در قالب های ماشینیسم و به خاطر بالا بردن مصرف جهانی، مخصوصاً جهان سوم که دنیای صنعتی به ما تحمیل می کند، است.

غارت اسارت ها و منابع معنوی و از بین رفتن خصوصیات زندگی شرقی و اسلامی که عبارت است از مصرف هر چه کمتر و تولید هر چه بیشتر، بوسیله عوامل آموزشی دگرگون می شود؛ چرا که اروپای صنعتی می بایست برای تولیدات اضافه خود مصرف کننده پیدا کند و هر چه کند تا بتواند کالای مصرفی بدهد و مواد تولیدی بگیرد و منت هم بگذارد و خود را هم بالاتر و متمدن قلمداد کند.

ابتدا با استعمار فرهنگی کار خود را آغاز می کند و



سپس از یک خصیصه پاک و اصیل خدایی که به رسم امانت به انسان داده شده، استفاده می کند و آن تنوع است که شکلی از تکامل می باشد. (همراه با درد) که تمام فلسفه ها، مذهب ها و ایده آل ها و عشق ها و خواستن ها و ... خلاصه شده در این: اصالت مال زندگی مادی است.

بنابراین وقتی زندگی مادی اصالت دارد، هدف رفاه است، پس برای چه باید کار کرد؟ برای ساختن وسایل آسایش؛ به نظر شما آیا انسان امروز بیشتر آسایش دارد یا انسان دیروز؟ پس همه نیروهایمان صرف فدا کردن آسایش زندگی برای تهیه وسایل آسایش زندگی شده. داستان شازده کوچولو را خوانده اید؟ قربانی شدن آسایش زندگی برای چه؟ برای تکامل؟ برای تعالی؟ برای رفتن به حقیقت؟ برای رسیدن به ایده آل های مقدس انسانی؟ برای تقرب و نزدیکی به بهترین دوست و یار او (الله) و برای بدست آوردن وسایل آسایش زندگی.

زیستن برای مصرف، مصرف برای زیستن یک دور باطل دور حماقت کار - استراحت - خوردن - خوابیدن همین و بس!!! بهتر است کمی فکر کنیم ملاک ما برای شناختن



افراد چیست؟ مثال می زنم، آیا وقتی مثلا ً به خواستگاری می روید چه می پرسید؟ می پرسید که آیا شما آدم باهوشی هستید؟ با شهامت هستید؟ چه مقدار وقار و اصالت دارید؟ چه مقدار قرآن را درک کرده اید؟ چه مقدار در تاریخ و اقتصاد و جامعه شناسی و انسان شناسی و تفسیر و فهم سخنان ائمه مطالعه دارید؟ معلوماتتان چقدر است؟ و ... هرگز! درست همان گونه می اندیشیم و همان گونه انتخاب می کنیم که فرهنگ مادی بورژوازی غرب به ما تحمیل کرده و معیار ارزش هامان بسته بندی شده از غرب می آید، اما خود نمی دانیم و نمی فهمیم و خیال می کنیم که اندیشه و فکرمان اسلامی است، در صورتی که اندیشه ای که قرآن به ما می خواهد بدهد درست عکس آن است و با آن در تضاد کامل است و اصلا ً اندیشه تربیتی قرآن برای از بین بردن چنین ارزش ها و معیارها و طرز تفکرها و برداشت ها و چنین شناختی است نسبت به زندگی، حیات، وسایل مادی، نیازها، آرزوها، خواست ها، ایده آل ها و ... و ما تمام تلاشمان و ناراحتی هامان و رنج ها و نوع احساس هامان در این است که بهتر زندگی کنیم به جای اندیشیدن به اینکه



چگونه باید زندگی کنیم و چرا؟ زندگی یعنی چه؟ تلاش برای چه؟ اصلاً چرا زندگی می‌کنیم؟ و به اینها توجه نداریم؛ چرا که نتوانستیم خود را از لجنزار فرهنگ بورژوازی نجات دهیم، از لجن مصرف بدون تولید، از لجن زندگی خلاصه شده در مادیات و تمام نیروهای خلاق و نبوغ‌های سرشار را در وسیله خلاصه کردن، درست مثل کسی که پله‌ای گذاشته تا خود را به پشت بام برساند، اما همین که پا روی پلکان اول گذاشت راجع به خود پله فکر کند، سوراخ سنبه‌های آن، رنگ آن و ... که لحظه‌ای خواهد رسید و مرگ گریبان او را فرا خواهد گرفت و هنوز در فکر این است که پله چوبی را تبدیل با فلزی یا فلزی را به کائوچو یا طلا و یا ... کند و در نتیجه عمر تمام می‌شود و خود را به پشت بام نرسانده، خواهش می‌کنم این جمله را با دقت بخوان و فکر کن تا عظمت آن را درک کنی.

الناس نیام اذا ماتو انتبهوا (مردم خوابند و وقتی که مردند، متنبه و بیدار می‌شوند)
نتایجی که من از این جمله گرفته‌ام به شما ارائه می‌دهم چه بسا که شما فکر کنید و به نتایج عمیق‌تری



دست یابید.

1) خواب معمولا در شب است و از خصوصیات شب تاریکی و سیاهی و ظلمات است.

2) کسی که خواب است از وقایعی که در اطرافش اتفاق می افتد بی خبر است.

3) کسی که خواب است از خود نیز بی خبر است.

4) اگر دشمنی داشته باشد به سادگی می تواند او را از بین ببرد یا در دام بیندازد.

5) هنگامی که خورشید که مظهر نور است و روشنایی، طلوع کرد انسان از خواب بیدار می شود.

6) کلمه ناس که به کار رفته به معنای توده مردم است.

چه کسی متنبه می شود، بیزار می شود، پشیمان می شود بعد از آن که بیدار شد؟ کسی که می فهمد استعدادها و نیروهای بسیار وجود داشته، سرمایه های عظیمی خدا به او عطا کرده و آنها را راکد در عالم خواب و ناآگاهی قرار داده همانند آب راکدی که می گندد و بوی بدی می دهد و در ثانی کار از کار گذشته و مرگ فرا رسیده و راه بازگشتی نیست، هدف او (الله) از آفرینش انسان تکامل برای اوست و سرمایه های مادی را در اختیار انسان



گذارده تا در خدمت آن هدف بکار بریم، اما چگونه به دست خود استعدادها و نبوغ‌هایمان را دفن می‌کنیم و در گورستان فراموشی رها می‌کنیم و به قول قرآن زندگی‌مان کافرانه می‌شود. (زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقُوا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ) (آیه 212 سوره بقره) کسانی که کفر ورزیدند، حیات دنیا برای آنها زینت داده شد و ایمان آورندگان را مسخره می‌کنند، ولی کسانی که تقوا پیشه کردند روز قیامت و حیات اخروی برایشان بسیار برتر و مهمتر است.

در آیه 14 سوره آل عمران مراجعه کنید و دریابید که در این آیه نقش زن در تعیین جهت فکری و مسیر زندگی مرد چگونه مطرح شده (الدنيا مزرعة الآخرة 12-یونس) هر چه نداشتیم از خدا می‌خواهیم.

و هنگامی که خدا آن را به ما داد او را فراموش می‌کنیم پس جزو مسرفین هستیم؛ زیرا آنچه را از نعمت‌ها که خدا به ما داده تا در راه رسیدن به او بکار بریم و اگر به کار نگرفتیم مسرفیم. كَذَلِكَ زَيْنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا



يَعْمَلُونَ - اِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ 31- اعراب) اين آيه بسيار عميق، زيبا و رساست خطاب به بنی اسرائيل (همان موقعی که پیامبر ما را به آنها تشبيه می‌کند) متاع و زينت را حرام نکردیم بر مردم، بلکه اينها وسيله است برای مردم با ايمان و اينها فقط در دنياست و البته در آخرت بهتر از اينها را به مردم با ايمان خواهيم داد.

به سوره كهف آيه 7، سوره اعراف آيه 31، سوره حديد آيه 20، سوره كهف آيه 28، سوره قصص آيه‌های 78 و 79، سوره احزاب آيه 28، سوره توبه آيه 38، سوره نساء آيه 77، سوره آل عمران آيه 185، سوره نحل آيه 117، سوره يونس آيه‌های 23 و 70، سوره قصص آيه‌های 60 و 61، سوره رعد آيه 26، سوره غافر آيه 39، سوره شوری آيه 36، سوره زخرف آيه 35، مراجعه کنید و با دقت به سخن خدا گوش کنید تا چگونگی زندگی، راه و هدف، نوع نیازها و خواسته‌هايمان را از فرهنگ و ايدئولوژی قرآن بگيريم و به جهانيان ثابت کنیم که قرآن برای همه زمان‌هاست و عمل کردن به آن برای همه نسل‌هاست.



برادران از مشهد- حسین

● تهیه شده توسط :

کانون دانشجویی مهدویت تشکل گام

دومی ها

